

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ششمین از مفطرات صوم ایصال غبار غلیظ به حلق می باشد صاحب عروة در اینجا فرموده اند السادس: ایصال الغبار الغلیظ الی حلقه ، بل و غیر الغلیظ علی الأحوط ، سواء كان من الحلال كغبار الدقیق ، أو الحرام كغبار التراب و نحوه ، و سواء كان بإثارتة بنفسه بكنس أو نحوه ، أو بإثارة غیره ، بل أو بإثارة الهواء مع التمكین منه و عدم تحفظه ، و الأقوی إلحاق البخار الغلیظ و دخان التباك و نحوه ، و لا بأس بما یدخل فی الحلق غفلة أو نسیانا أو قهرا أو مع ترك التحفظ بظن عدم الوصول و نحو ذلك .

چند بحث در اینجا وجود دارد اول اینکه احدی از فقهای عامه قائل به بطلان صوم به سبب إصاق غبار غلیظ به حلق نمی باشد و این مسئله از مختصات فقه امامیه می باشد . شیخ طوسی در ص ۱۷۷ از جلد ۲ خلاف (طبع جدید) در مسئله ۱۷ از کتاب صوم می فرمایند: « غبار الدقیق و النفص الغلیظ حتی یصل إلى الحلق یفطر و یجب القضاء و الكفارة متى تعمد و لم یوافق علیه أحد من الفقهاء بل أسقطوا كلهم القضاء و الكفارة معاً ، دلیلنا : الأخبار التي یبئناها فی الكتاب الكبير (تهذیب) و طريقة الإحتیاط ، لأن مع ما قلنا تبرأ الذمة بیقین ، و فی الإخلال به خلاف » . علامه در ص ۲۵ از جلد ۶ از تذکره و ص ۷۱ از جلد ۹ منتهی متعرض به این مطلب شده است ، بنده آدرس ها را عرض می کنم خودتان مراجعه و مطالعه کنید . این سه کتاب مربوط به فقه مقارن بود که عرض شد اما علامه در ص ۲۷۲ از جلد ۳ مختلف الشیعه که مربوط به اقوال فقهای امامیه می باشد در ضمن مسئله ۲۶ می فرمایند : در بین ما در اینکه غبار غلیظ مفطر صوم است اختلافی نیست مگر بعضی ها مثل سید مرتضی که بعداً عرض می شود بلکه بحث در این است که بعضی ها گفته اند هم قضا و هم كفاره دارد ولی بعضی دیگر گفته اند که فقط قضا دارد و كفاره ندارد . صاحب جواهر می فرماید سید مرتضی گفته است که غبار غلیظ مفطر صوم نمی باشد زیرا ایشان در بحث اكل و شرب فقط مأكول و مشروب معتاد و متعارف را مبطل صوم می داند و در اینجا هم غبار همان خاک است و خاک هم مأكول متعارف و معتاد نیست فلذا ایصال غبار غلیظ مبطل صوم نمی باشد ، اما ما در بحث اكل و شرب عرض کردیم هر

آنچه که از حلق پایین برود چه معتاد و چه غیر معتاد مبطل صوم می باشد بنابراین در اینجا هم ما می گوئیم ایصال غبار غلیظ إلى الحلق مبطل صوم می باشد . محقق در شرایع فرموده اند : « و فی ایصال الغبار إلى الحلق خلاف و الأظهر التحريم و الفساد » ، صاحب جواهر در اینجا بر محقق اشکال کرده و گفته است که در بین ما امامیه خلافی در این مسئله وجود ندارد مگر اینکه محقق قول سید مرتضی را اختیار کرده باشد که آن هم نزاع صفروی می باشد یعنی ما می گوئیم که هر اكل و شربی مطلقاً مبطل صوم می باشد ولی سید مرتضی می گوید که فقط اكل و شرب متعارف مبطل صوم می باشد ، این بحث را صاحب جواهر در ص ۹۶ از جلد ۱۷ جواهر مطرح کرده است ، اینها اقوالی بود که در مسئله وجود داشت که عرض کردیم و إن شاء الله شما مراجعه می کنید و مطالعه می کنید .

خوب اما بحث در اینجا برمی گردد به این که دلیل این مطلب چیست ؟ روایات مربوط به این بحث در باب ۲۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۴۸ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ذکر شده اند خبر اول باب این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار ، عن محمد بن عیسی ، عن سلیمان بن جعفر (حفص) المروزی قال : سمعته یقول : اذا تمضمض الصائم فی شهر رمضان أو استنشق متعمداً أو شم رائحة غلیظة أو كنس بیتنا فدخل فی أنفه و حلقه غبار فعليه صوم شهرین متتابعین ، فإن ذلك له مفطر مثل الأكل و الشرب و النكاح » . صفار از طبقه ۸ می باشد و شیخ طوسی از طبقه ۱۲ و در واقع این روایت را شیخ از کتاب صفار گرفته است و صفار از محدثین بزرگ و ثقه است و له کتب مثل کتب الحسین بن سعید بل مع زیادة و طریق اسناد شیخ طوسی به صفار هم خیلی خوب است ، و محمد بن عیسی یقظینی هم از اجلای روات و ثقه می باشد ، و در سلیمان بن جعفر (حفص) بحث می باشد که آیا سلیمان بن حفص مراد است یا سلیمان بن جعفر در اینجا نسخه ها متفاوت است ولی ظاهراً سلیمان بن حفص درست می باشد و آیت الله خوئی هم در اینجا فرموده اند که ما اصلاً سلیمان بن جعفر نداریم و در قدیم برای نوشتن خط کوفی مرسوم بوده و در خط کوفی هم بین جعفر و حفص خیلی فرقی نیست ، خوب آیت الله خوئی می فرمایند که سلیمان بن حفص ثقه است زیرا از روات کتاب کامل الزیارات می باشد ، آیت الله خوئی در جلد اول معجم رجال حدیث می فرمایند هر کسی در سلسله سند تفسیر علی بن ابراهیم و یا در سلسله

کنید خلاصه احمد بن علی بن فضال فطحی مذهب است ولی ثقه می باشد ، نقل شده که فقط حسن در آخر عمرش شیعه شده ولی بقیه فطحی المذهب بوده اند و فطحی ها کسانی هستند که بعد از امام صادق (ع) پسر ایشان یعنی عبدالله بن اَظح را امام می دانند و این خبر را شیخ از کتاب احمد بن حسن بن علی بن فضال گرفته است فلذا اگر اسناد شیخ به او صحیح باشد خبر هم صحیح خواهد بود بنابراین ما باید یا به آخر تهذیب مراجعه کنیم که در آنجا شیخ طرق اسناد روایاتش را ذکر کرده و یا باید به آخر جلد ۲ جامع الروات مراجعه کنیم که در آنجا طرق شیخ و صدوق ذکر شده است و در آخر جامع الروات گفته شده که اسناد شیخ به احمد بن حسن بن علی بن فضال ضعیف است و اما عمرو بن سعید هم ثقه می باشد .

خوب این خبر دوم باطله دال بر این است که رسیدن دود و غبار به حلق اشکالی ندارد و وقتی که متن این خبر را ملاحظه می کنید اطلاقاً با آن خبر اول که خواندیم معارض است فلذا چون فقهای ما قائلند که غبار غلیظ مبطل صوم است باید در اینجا جوابی بدهند ، چند جواب در اینجا داده شده و صاحب وسائل فرموده اند که این خبر را باید حمل بر غبار غیر غلیظ کنیم و آن خبر اول را بر غبار غلیظ حمل کنیم تا اینکه جمع بین خبرین شود و اشکال رفع شود البته به این نوع از جمع تبرعی می گویند یعنی انسان به دلخواه خود جمع کند در حالی که ما در جمع بین اخبار باید شاهد جمع داشته باشیم فلذا جمع تبرعی به درد نمی خورد و در اینجا هم صاحب وسائل جمع تبرعی کرده اند ، بنابراین ما باید فکر دیگری بکنیم که بماند برای فردا این شاء الله

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و اله الطاهرین

سند کامل الزیارات باشد ما او را ثقه می دانیم زیرا علی بن ابراهیم در اول تفسیرش گفته است : « ما أروى إلا عن ثقة » و همچنین این قولویه هم در اول کامل الزیارات همین حرف را گفته است ، البته ظاهراً آقای خوئی بعداً از این مبنا برگشته است و صحیح هم این است که برگشته باشد زیرا ما در رجال از باب رجوع به أهل خبره به کسی مراجعه می کنیم که خبره فن باشد مثل نجاشی و کشی و تاحدی علامه حلی و شیخ طوسی ، بنابراین رجوع در علم رجال از باب شهادت نیست بلکه از باب رجوع به أهل خبره می باشد و اگر قول

أهل خبره مفید اطمینان باشد حجت است ولو اینکه مسلمان و عادل هم نباشد اصلاً طریق عقلاء همین است ، اما علی بن ابراهیم و ابن قولویه خبره اهل فن نیستند بلکه تنها یک راوی و محدث هستند بنابراین ما می گوئیم که وثاقت از این طریق و طبق مبنای آقای خوئی ثابت نمی شود .

خوب دلیل منحصر برای این مطلب همین روایت می باشد که از نظر متن بسیار صریح و روشن است و اگر این خبر نبود نمی توانستیم بگوئیم که ایصال غبار موجب بطلان صوم است منتهی چند اشکال وجود دارد که باید به آنها توجه کنیم ؛ اشکال اول در سند روایت است زیرا سلیمان بن حفص مروزی توثیق نشده است اما خبر مورد عمل فقهای ما می باشد فلذا از این جهت که عمل فقها ضعف سند را جبران می کند ما قائلیم که این روایت سنداً اشکالی ندارد .

اشکال دوم این است که این خبر اعم از تعدد است در حالی که ایصال غبار تعدداً مبطل صوم است و بدون تعدد ایصال غبار مبطل صوم نمی باشد ، ما در جواب عرض می کنیم که در خبر کلمه متعدداً آمده است ولو اینکه متعدداً بعد از استنشاق ذکر شده ولی شامل تمام فراهای روایت می شود زیرا کسی که جارو می کند می داند که غبار برمی خیزد فلذا اگر تحفظ نکند عمداً غبار داخل حلقش می شود .

اما اشکال سوم این است که این خبر با خبر بعدی یعنی خبر دوم باب معارض است خبر دوم این است : « و باسناده عن احمد بن الحسن بن علی بن فضال ، عن عمرو بن سعید ، عن الرضا (ع) قال : سألته عن الصائم يتدخن بعود أو بغير ذلك فتدخل الخنة في حلقه ؟ فقال : جائز لا بأس به ، قال : و سألته عن الصادم يدخل الغبار في حلقه ؟ قال : لا بأس به » . بنو فضال کلهم فطحی المذهب بوده اند ظاهراً از حضرت رضا (ع) سؤال کردند که ما در مواجهه با بنی فضال چه کار کنیم زیرا خانه های ما پر است از کتب آنها ؟ حضرت فرمودند آنچه که رأی و نظر آنهاست کنار بگذارید ولی روایت های آنها را عمل